

فاطمه قاسم آبادی

روزنامه‌نگار

پیش از اینکه سینما میان مردم، گوی سبقت را از ادبیات بریاید، کتاب‌ها جایگاه خاصی بین تفریحات مردم داشتند. در این بین کتاب‌های **روسی**، فرانسوی و انگلیسی با قهرمانان متفاوت‌شان توانستند تبدیل به نوستالژی دوران خود شوند. کسانی که اهل کتاب خواندن باشند و به سراغ کتاب‌های کلاسیک ادبیات انگلستان رفته باشند می‌دانند که معمولا نویسندگان انگلیسی قهرمانان خود را برخلاف دیگر کشورها چگونه توصیف می‌کنند. اغلب این قهرمانان بیشتر صفات برتر انسانی دارند و در نهایت شجاعت و سخاوت هستند و صدا البته که همگی بین قشر اشراف و با کمی ارفاق، بورژوا زندگی می‌کنند.

با گذشت زمان و رفتن مردم به سینما و آمدن تلویزیون به خانه‌ها، قهرمانان انگلیسی کتاب‌ها هم مثل دیگر کتاب‌ها از جلد خود درآمدند و بر پرده سینما و صفحه تلویزیون ظاهر شدند. این قهرمانان، که همیشه نمادی از قدرت برتری‌تری‌هایی بودند که انگلستان داعیاش را داشت، هرچند وقت یک‌بار با ورژنی جدید و تیم نویسندگی متفاوت، به سینما و تلویزیون برمی‌گردند و به مخاطبان خود یادآور می‌شوند که قهرمان انگلیسی هنوز هم می‌تواند تاثیر گذار باشد، هرچند جدیدا قهرمانان آمریکایی و هالیوودی نفس این قهرمانان کلاسیک را به‌شماره انداخته‌اند اما در سطحی پایین‌تر، تهیه‌کنندگان در تلاشند تا نشان دهند قهرمانان انگلیسی هنوز هم در سینما و تلویزیون حرفی برای گفتن دارند.

ما در این مقاله قصد داریم به بررسی چند نفر از این قهرمانان نام‌آشنا در سینمای هالیوود و تلویزیون انگلستان بپردازیم.

۹ پولدارک

سریال پولدارک نام مجموعه‌ای است که با اقتباس ادبی هورسفیلد از مجموعه کتاب پولدارک و بسا کارگردانی ادوارد بال‌الگت و ویل مک‌گریگور از سال ۲۰۱۵ از شبکه BBC پخشش شروع شده و تاکنون ادامه داشته است.

شخصیت راس پولدارک، یکی از قدیمی‌ترین قهرمانان کلاسیک انگلیسی محسوب می‌شود. این شخصیت که براساس رمان‌های تاریخی پولدارک نوشته‌یوستون گراهام شکل گرفته‌رورژن جدید، تغییرات زیادی کرده است.

داستان سریال پولدارک به سال ۱۷۸۳ بر می‌گردد و در مورد افسر جوان و جسوری به نام راس پولدارک است که در ابتدای داستان معلوم می‌شود او بعد از سه سال، از جنگ استقلال آمریکا به خانه بازگشته است. وقتی کاپیتان پولدارک جوان، به خانه‌اش می‌رسد در همان بدو ورود می‌فهمد که همه نظم زندگی اش بر باد رفته. ... نامزدش به خاطر اینکه فکرمی کرده‌راس مرده، حالا نامزد پسرعموی راس شده همچنین بدهی و قرض زیادی از پدرش باقی مانده و معن‌شان هم تعطیل شده است... اما با وجود همه این ناملایمات راس تصمیم می‌گیرد زندگی اش را با تلاش فراوان دوباره بسازد و در این راه دملزا دختر یک کشاورز فقیر که پدرش او را از خانه بیرون کرده و راس پناهش داده، کمکش می‌کند....

شخصیت راس پولدارک به‌عنوان یک قهرمان انگلیسی که از طبقه اشراف جامعه سقوط کرده و حالا سعی دارد دوباره به وضعیت سابقش برگردد، بسیاری برای مخاطب جالب‌توجه است. راس با بازی روان ایدن ترنر (که مخاطب ایرانی او را با بازی در سه‌گانه هابیت‌ها می‌شناسد) نماد قهرمانی جسور و شجاع است که برعکس اشراف‌زاده‌های دیگر از حق و حقوق مستضعفین جامعه دفاع می‌کند، چرا که به درد آنها دچار و با سختی‌های زندگی یک کارگر مواجه شده است. کاپیتان راس پولدارک در نهایت با وجود کارشکنی‌های بسیار زیاد دشمنانش، موفق می‌شود وارد مجلس انگلستان شود تا از حقوق مردم دفاع کند؛ چرا که معتقد است دیگر نباید بیشتر از این خود را از سیاست کنار بکشد و اجازه دهد انسان‌های نالایق بر این مسند تکیه کنند.

دو زن به صورت جدا‌تشدنی در زندگی راس وجود دارند؛ دملزا والیزابت.

الیزابت نام دختری است که در ابتدای ماجرا نامزد راس بود ولی چون راس وضعیت مالی درستی نداشت با پسرعمویش ازدواج می‌کند و در نهایت بعد از مرگ پسرعموی راس با دشمن راس یعنی جرج ولگان ازدواج می‌کند. الیزابت نماد یک زن اشراف‌زاده کلاسیک و مورد‌بستند جامعه اشرافی آن دوران است. این زن که برای زندگی در تنگدستی و مشکلات به دنیانیا میده با وجود اینکه به راس علاقه‌مند است ولی با کسانی ازدواج می‌کند که بتوانند آسایش زندگی اش را تأمین کنند و در مورد مسائل اطرفی بیشتر عقلانی و حسابگر تصمیم می‌گیرد و مثل بیشتر اشراف‌زادگان زمانش برایش اهمیتی ندارد که این آسایش به چه قیمتی تأمین شود، او به دنبال راحتی در زندگی است؛ خواه این راحتی با ازدواج با مردی سست‌عصر به دست بیاید که اژیهای دارد و خواه با ازدواج با مردی طمع‌کار و ظالم که از طریق خالی کردن جیب طبقه پایین جامعه فراهم شود. به خاطر تمام این خصوصیات است که الیزابت در نهایت بعد از چهار فصل از این داستان حذف می‌شود، چرا که زمان و دوره چنین زنانی به سر رسیده و قرار است شکل دیگری از زنان در این سریال ظهور کنند. زن دیگری که در زندگی راس وجود دارد، دملزا نام دارد. دملزا دختری است از قشر بسیار پایین جامعه که پدرش او را از خانه بیرون کرده است. راس به خاطر درلحمی اش او را به خانه‌اش می‌آورد و

بعد از مدتی وقتی می‌بیند دملزا چه دختر مهربان و زحمت‌کشی است، برخلاف رسوم زمانه‌اش با او ازدواج می‌کند و پیوند بین قشر اشراف‌زاده و رشکسته و قشر ضعیف را برقرار می‌کند.

البته راس به‌عنوان یک قهرمان کلاسیک در بازسازی مدرن، یک‌سری خصوصیات جدید هم دارد که توسط نویسندگان به شخصیتش اضافه شده تا حداقل برای مخاطب غربی این زمان که دچار انواع فسادهای اخلاقی است، قابل درک‌تر باشد؛ برای مثال راس به‌شدت در روابط خود آزاد است و تنها تنه خودش که به‌هم‌مسرش هم اجازه می‌دهد در زمان‌هایی از قلبش پیروی کند و با کسی که می‌خواهد باشد؛ برخی تصمیمات و رفتارهای این شخصیت جدید از راس پولدارک نه متعلق به قشر پایین و مذهبی جامعه‌آن زمان و نه متعلق به قشر اشرافی و اخلاق‌مدار آن دوران است و این خصوصیات و شگفت‌کنانه‌گاهی بیننده را گیج می‌کند، مخصوصا که تصویر راس به خاطر دوقصل اول سریال در ذهن مخاطب به‌عنوان یک قهرمان پاک‌دامن نقش نشسته و اتفاقات بعدی سوم و پس از آن در فصل چهارم به نوعی قبح‌شکنی برای این شخصیت محسوب می‌شود و به‌بیننده القامی‌کند که یک قهرمان مدافع حقوق مردم و تنگدستان، لزوما نباید انسان اخلاق‌مداری باشد و در نهایت، این مساله تا وقتی که آن قهرمان در بی‌احقانی حقوق فقیران یک جامعه باشد، اهمیت دارد!

خلق چنین شخصیتی با توجه به اوج گرفتن پخش اخبار مربوط به فساد اخلاقی سیاسیون در دنیا و به‌ویژه کشور‌های غربی بسیار قابل تأمل است. شاید ساخت سریال‌هایی مانند پولدارک، در واقع به نوعی روش‌نگری مدرن باشد برای این مطلب که هدف وسیله را توجیه می‌کند و مسائل اخلاقی به خود شخص مربوط است و رفتارهای جنسی و اخلاقی مهربان سیاسی مردم، کاملا شخصی است و ربطی به عدم کفایت‌شان در کارشان ندارد! شخصیت راس پولدارک قبلا در سریال تلویزیونی با همین نام و براساس چهار قسمت اول رمان «وینستون گراهام «مابین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۷ از شبکه BBC پخش شد بود اما همان طور که گفته‌شد در حال حاضر با توجه به نیازهای روز، این شخصیت دوباره خلق شد و به‌صورت سریالی با تیم نویسندگی قابل قبول، همچنان مخاطبان خود را پای خودش نگه داشته است.

۹ شارپ

سریال شارپ نام مجموعه‌ای تلویزیونی است که اولین قسمتش در سال ۱۹۹۳ از شبکه ای‌تی‌وی انگلستان پخش شد و با استقبال مردم انگلستان این مجموعه تا سال ۲۰۰۸ ادامه پیدا کرد.

داستان مجموعه شارپ که در ایران خیلی شناخته‌شده نیست، در مورد یک سرباز انگلیسی ارتش بریتانیاست به نام ریچارد شارپ (با بازی «شان بین» که مخاطب ایرانی او را در نقش برومیر در ارباب حلقه‌های شناسد.)

افسر شارپ، مردی جسور و ماجراجوست و داستان این سریال روی شخصیت و اتفاقاتی که برای این سرباز می‌افتد، جلومی‌رود. شخصیت ریچارد شارپ به‌عنوان یک افسر بریتانیایی در بیشتر کشورهای مستعمره انگلستان یا کشورهایی که ارتش انگلستان در آن مستقر شده، حضور دارد و نمادی از سربازی جان‌برفک است که از منافع برحق کشور خود دفاع می‌کند!

ریچارد شارپ در بیشتر ماجراجویی‌های خود سعی در بهبود اوضاع دارد و با انتخاب زبردستانی که به کارش بیایند، برای اهدافی که به‌نفع بریتانیای کبیر است، می‌جنگ.

بزرگ کردن و بازسازی شخصیت سرباز انگلیسی آن‌هم درست‌زمانی که بیشتر کشورهای دنیا از زیرسلطه این کشور خلاص شده بودند، به نوعی خاطرات تحقیرآمیز و تلخی را برای بیشتر مردم دنیا یادآور می‌شد و شاید دلیل محبوب‌نبودن و عدم استقبال از این سریال در بیشتر کشورها جز انگلستان، همین امر باشد. البته شخصیت ریچارد شارپ با بازی بسیار روان و باورپذیر شان‌بین، خیلی خوب توانسته هدف نویسنده‌اش را مبنی بر نشان دادن تمام فدکاری‌های سربازان این کشور برای نگه‌داشتن شکوه نام‌شروع

فرهنگ



انگلستان در دنیا نشان بدهد، ریچارد شارپ به‌عنوان یک افسر وظیفه‌شناس، تمام سعی خود را می‌کند تا در ماموریت‌های خود شکست نخورد ولی این زحمات هرگز به طمع مال یا حتی به خاطر به‌دست آوردن نام و شهرت نبوده است بلکه تنها و تنها به خاطر وظیفه‌ای که برایش تعیین کرده‌اند، این همه رشادت به خرج داده است. داستان مجموعه شارپ براساس رمان‌هایی از نویسنده مشهور انگلیسی «برنارد کورن‌ول» ساخته شده است. این نویسنده که علاقه عجیبی به تاریخ کشورش بریتانیا دارد، همیشه تخیل خود را با قسمتی از واقعیت همراه می‌کند تا خوانندگان را پای داستان‌های خود بکشاند. هرچند کورن ول در داستان‌های شارپ خیلی در سطح بین‌الملل موفق نبوده اما با نوشتن مجموعه جدیدش به نام «داستان‌های ساکسون» که سریال بسیار پسر و صدای آخرین پادشاهی براساس آن، ساختخ ادامه دارد، توانست به محبوبیت خود بیفزاید و از طریق بازگورکنن قسمتی از تاریخ که مربوط به حمله وایکینگ‌هایی‌شود، دوباره شکوه بریتانیا و قدرتش را در راندن دشمنانش و تسلط بر دیگر قومیت‌ها با چاشنی خون، خشونت، مکر و بی‌رحمی به تصویر بکشد.

۹ غرور و تعصب

فیلم غرور و تعصب به کارگردانی جورات و محصول سال ۲۰۰۵ است. آقای دارسی و الیزابت بنت اگر محبوب‌ترین شخصیت‌های رمانتیک اروپایی نباشند، دست‌کم بین ۱۰ زوج برتر ادبیات کلاسیک و رمانتیک جای دارند. داستان غرور و تعصب از آنجا شروع می‌شود که زنی به نام خانم بنت که پنج دختر مجرد دارد و پولی برای جهاز ندارد، امیدوار است دخترانش بتوانند با مردان ثروتمند ازدواج کنند! با آمدن دو نجیب‌زاده در همسایگی آنها این آرزو به تحقق نزدیک می‌شود. این دو مرد ثروتمند، دو جوان به نام‌های آقای بینگلی و دوستش ثروتمندترش آقای دارسی هستند که با ورودشان زندگی را در این روستا تغییر می‌دهند. آقای بینگلی در همان ابتدا به دختر بزرگ‌تر آقای بنت یعنی جین، علاقه‌مند می‌شود و آقای دارسی هم با وجود اینکه از الیزابت دختر دوم آقای بنت خوشش آمده ولی به خاطر اختلاف طبقاتی این علاقه را بروز نمی‌دهد و با غرور و سردری با الیزابت برخورد می‌کند و اجازه نمی‌دهد آقای بینگلی هم با جین ازدواج کند و این تازه آغاز ماجرای این شخصیت‌هاست....

در غرور و تعصب در ظاهر شخصیت اول ماجرا الیزابت است که دختری جذاب، شوخ، باهوش و... است ولی در واقع قهرمان اصلی این داستان، آقای دارسی است، چرا که اگر او با وجود اینکه مردی ثروتمند، تحصیلکرده و جذاب است، در ازدواج با الیزابت اصرار نمی‌کند، کل داستان بر باد افتد!

رمان‌های جین آستین از زمانی که نوشته شدند یعنی حدود ۲۲۲ سال پیش تاکنون تقریبا همیشه طرفداران مخصوص به خود را داشته، چرا که از بزرگ‌ترین آرزوها و رویاهای دختران، یعنی پیدا کردن همسری ثروتمند، جذاب، از خانواده‌ای اصیل و صدا البته عاشق پیشه حرف می‌زند. در تمام داستان‌های این نویسنده آرزوی دختران طبقه متوسط یابورژوا که ازدواج با پسران اشراف‌زاده و جذاب است، به حقیقت می‌پیوندد و هرگز هیچ تریج به خط‌نمی‌رود. به خاطر تمام این تفاسیر شخصیت آقای دارسی برای مخاطب هرگز تکراری نمی‌شود، چرا که یک مرد بی‌عیب و نقص است و تنها مشکل شخصیتی‌اش این است که به طبقه پایین‌تر از خود به دیده تحقیر نگاه می‌کند و با غرور با مردم پایین‌تر از خود برخورد می‌کند که خب البته این مشکل هم به‌خاطر چیش زمانی و اتفاقات داستان توسط نویسنده حل می‌شود و در نهایت این مرد مغرور در مقابل دختر فقیر و بی‌جهاز داستان سر فرود می‌آورد و با وجود اینکه الیزابت را از خانواده‌ای فقیر، حریص و نامناسب می‌دانست، از او خواستگاری می‌کند!

جین این‌رمان فیلمی است به کارگردانی کری فوکوناگا محصول سال ۲۰۱۱. این فیلم که با اقتباس از کتاب جین ایر شالورت برنونه ساخته شده، جزه اقتباس‌های موفق سینمایی از کتاب محسوب می‌شود. داستان فیلم جین ایر درباره زندگی دختری به نام جین است که در کودکی مادر و پدر خود را از دست می‌دهد و پس از ناملایماتی که از بستگان نزدیکش می‌بیند به پرورشگاه سپرده و در محیط خشک و خشن پرورشگاه بزرگ می‌شود. او بعد از رسیدن به سن قانونی با سمت معلمی از پرورشگاه به خانه‌ای اشرافی و مرموز می‌رود؛ ارباب خانه (آقای راجستر و قهرمان مرد داستان) به تدریج به او علاقه‌مند می‌شود و پس از مدتی از جین خواستگاری می‌کند... اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود و جین در دست‌رر روز عروسی‌اش می‌فهمد که آقای راجستر قبلا ازدواج کرده و همسر او که حالا دیوانه است، در طبقه بالای همان خانه زندگی می‌کند. جین که دل‌شکسته‌می‌شود لباس عروسی‌اش را در می‌آورد و بلافاصله از خانه می‌گریزد. او در راه بیهوش می‌شود و کیشی جوان با خواهرانش او را پیدا کرده و از او نگهداری می‌کنند و کشیش بعد از مدتی از جین خواستگاری می‌کند ولی جین همچنان به راجستر فکر می‌کند و در ذهن خود صدای راجستر را می‌شنود.... به‌خاطر همین اتفاقات، جین تصمیم می‌گیرد دوباره به سراغ صدای ذهنش برود....

شخصیت جین ایر و آقای راجستر با وجود اینکه از فرهنگ دیگری آمده ولی برای مخاطب خود چه در کتاب و چه در این اقتباس سینمایی به خوبی قابل درک هستند. داستان جین ایر یکی

پرده می‌آورد که مخاطب با دیدن آنها بتواند برای لحظاتی خود را از واقعیت‌های طاقت‌فرسای زندگی خود دور کند و در عین حال منطبق داستان کمی هم ریشه در دنیای واقعی داشته باشد تا برای آن مخاطب، باورپذیر باشد.

در فیلم غرور و تعصب هم همین اتفاق می‌افتد، مخاطب چنان جذب روند داستان فیلم می‌شود و با علم بر پیروزی دختر با اتفاقات همراه می‌شود که فراموش می‌کند در دنیای واقعی مسائل جور دیگری پیش می‌رود و هر چیزی بهایی دارد؛ از غرور و تعصب به‌عنوان یکی از اخلاقی‌ترین کتاب‌های رمانتیک نام برده می‌شود ولی در واقع این داستان یکی از بزرگ‌ترین دروغ‌ها و در عین حال شیرین‌ترین‌شان را به مخاطب خود می‌فروشد و آن رسیدن به ازدواجی است که بدون هیچ بهای واقعی، تمام ایده‌آل‌های دختران را در خود دارد! تلاش بدون توقف دختران طبقه بورژوا برای رسیدن به مردی ثروتمند که سعادت آینده‌شان را تأمین کند در تمام آثار این نویسنده تکرار می‌شود و حتی برای تنوع هم که شده هرگز قهرمان مرد داستان، مردی از طبقه پایین و ضعیف جامعه انگلستان نیست. گویی این طبقه در حد عاشق شدن نیستند و ارزشی در آنها برای به تصویر کشیدن وجود ندارد!

شاید جنبه غیرواقعی و رویاگونه داستان غرور و تعصب را بتوان در زندگی خود نویسنده این کتاب که شباهت زیادی با شخصیت الیزابت در داستان دارد، پیدا کرد. جین آستین در دنیای واقعی تمام عمرش را در روستایشان و تقریبا با فقر زندگی کرد و هرگز ازدواج نکرد و دلیل این امر اطریق گفته‌زندگینامه نویسان شکست در عشق و نیافتن فرد مناسب که همان مرد ثروتمند، اصیل و عاشق پیشه است، عنوان کرده است....

داستان غرور و تعصب یکی از پرطرفدارترین رمان‌های ادبیات انگلستان محسوب می‌شود که بیش از ۲۰ میلیون نسخه آن به فروش رسیده است و تا به حال اقتباس‌های سینمایی و تلویزیونی بسیاری در دنیا از روی آن ساخته شده است. البته فیلم نسخه سال ۲۰۰۵ به کارگردانی جواریت، به‌نظر بیشتر منتقدان بهترین وضایت‌بخش‌ترین اقتباس از این داستان عاشقانه است که‌نه تنها نامزد دریافت جوایز بین‌المللی زیادی شد، که بین مخاطب عام هم بسیار محبوب شد و توانست با بودجه‌ای معادل ۳۰ میلیون دلار، حدود ۱۲۱ میلیون دلار در گیشه بفروشد و موفقیت قابل توجهی برای تهیه‌کنندگانش به‌دست آورد.

۹ جین ایر

جین این‌رمان فیلمی است به کارگردانی کری فوکوناگا محصول سال ۲۰۱۱. این فیلم که با اقتباس از کتاب جین ایر شالورت برنونه ساخته شده، جزه اقتباس‌های موفق سینمایی از کتاب محسوب می‌شود. داستان فیلم جین ایر درباره زندگی دختری به نام جین است که در کودکی مادر و پدر خود را از دست می‌دهد و پس از ناملایماتی که از بستگان نزدیکش می‌بیند به پرورشگاه سپرده و در محیط خشک و خشن پرورشگاه بزرگ می‌شود. او بعد از رسیدن به سن قانونی با سمت معلمی از پرورشگاه به خانه‌ای اشرافی و مرموز می‌رود؛ ارباب خانه (آقای راجستر و قهرمان مرد داستان) به تدریج به او علاقه‌مند می‌شود و پس از مدتی از جین خواستگاری می‌کند... اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود و جین در دست‌رر روز عروسی‌اش می‌فهمد که آقای راجستر قبلا ازدواج کرده و همسر او که حالا دیوانه است، در طبقه بالای همان خانه زندگی می‌کند. جین که دل‌شکسته‌می‌شود لباس عروسی‌اش را در می‌آورد و بلافاصله از خانه می‌گریزد. او در راه بیهوش می‌شود و کیشی جوان با خواهرانش او را پیدا کرده و از او نگهداری می‌کنند و کشیش بعد از مدتی از جین خواستگاری می‌کند ولی جین همچنان به راجستر فکر می‌کند و در ذهن خود صدای راجستر را می‌شنود.... به‌خاطر همین اتفاقات، جین تصمیم می‌گیرد دوباره به سراغ صدای ذهنش برود....

شخصیت جین ایر و آقای راجستر با وجود اینکه از فرهنگ دیگری آمده ولی برای مخاطب خود چه در کتاب و چه در این اقتباس سینمایی به خوبی قابل درک هستند. داستان جین ایر یکی

از سطح بالاترین داستان‌های کلاسیک و رمانتیک انگلستان محسوب می‌شود و تاکنون بیشتر از هشت تا ۹ بار، با اقتباس از آن، فیلم سینمایی و مینی سریال ساخته‌اند و منتقدان در بیشتر این اقتباس‌ها جذابیت کتاب را بسیار بالاتر از اقتباس آن دانسته‌اند ولی اقتباس سینمایی سال ۲۰۱۱ توانست تا حدود بسیاری نظر منتقدان را به خود و بازی هایش جلب کند.

در جین ایر باز همان داستان‌های همیشگی اژیبه خانوادگی و طبقات اجتماعی انگلستان قدیم و... در جریان است و به زبان بهتر، ثروتمند سواره‌است و زبردستان، پیاده... اما داستان جین ایر علاوه بر تمام این مسائل فرق مهمی دارد و آن عمق دادن به قهرمان انگلیسی است. همیشه قهرمانان انگلیسی نجیب، مغرور، شجاع و... بوده‌اند و چه در کتاب و چه در برداشت‌های سینمایی ولی شخصیت آقای ارجستر علاوه بر تمام این ویژگی‌ها نقاط شکننده‌ای هم دارد که باعث می‌شود مخاطب عام هم با او احساس همدردی کند و هم این شخصیت، از قالب یک موجود داستانی به سیمای یک انسان با تمام نقاط مثبت و منفی‌اش تبدیل شود.

آقای راجستر در مکالماتی که در صحنه‌های مختلف با جین دارد و همچنین اعمالی که از او طی داستان شاهد هستیم، نشان می‌دهد پتانسیل‌های بسیار بالایی برای گذر از خطاها و رسیدن به قهرمان آرمانی انگلیسی دارد. برای مثال این شخصیت با وجود ضربه‌ای که از معشوق سابقش و مادر دختر خوانده‌اش می‌خورد ولی باز از رها کردن دختر بچه سر باز نمی‌زند و او را به پرورشگاه نمی‌فرستد. راجستر هرچند در ازدواج اشتباه کرده و به نوعی کلاه سرش رفته اما وقتی در خانه‌اش آتش‌سوزی می‌شود برای نجات همسر دیوانه‌اش که همیشه مایه رنجش بوده از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند و مخاطب را به این نتیجه می‌رساند که این قهرمان با گذر از رنج‌های زندگی به نوعی بزرگواری و بخشش درونی رسیده است. یکی از نکات جالب و تفاوت‌های فیلم در تصویری است که نویسنده از آقای راجستر در کتاب نشان می‌دهد. این تصویر کاملا متفاوت با آن چیزی است که در سینما و تلویزیون از این شخصیت نشان داده شده است. در رمان، آقای راجستر مردی است با پوستی سبزه و چشمان و موهایی سیاه که خیلی با شکل ظاهری و اصیل مردم انگلستان شامت ندارد و گویی تباری شرقی، در این چهره نپخته است اما در سینما و تلویزیون تهیه‌کنندگان این خصوصیات را حذف کرده‌اند و به جایش این شخصیت همیشه پوستی سفید و رنگ‌پریده و چشمانی روشن و موهایی قهوه‌ای داشته است و کاملا تداعی گر یک مرد انگلیسی با ظاهر مردان زمان خود بوده است. فیلم جین ایر ۲۰۱۱ به‌عنوان آخرین اقتباس سینمایی در سال‌های اخیر توانست بر پرده سینما خوب بدرخشد و منتقدان را تا حدود بسیاری راضی و ثابت‌کند این قهرمان انگلیسی کلاسیک هنوز هم طرفداران خود را دارد.

۹ هورنبلوتر

هورنبلوتر نام مجموعه داستان‌های دنباله‌داری است که به‌صورت فیلم‌های تلویزیونی از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ به کارگردانی اندرو گریو ساخته شد و از شبکه ای‌تی‌وی انگلستان پخش شد.

داستان مجموعه هورنبلوتر در مورد یک افسر بریتانیایی ارتشی است که با اقتباس از رمان‌های نویسنده انگلیسی «سی اس فوستر» ساخته شده است. این داستان هادباره شخصیت تخیلی هوراشیو هورنبلوتر است که افسر نیروی دریایی پادشاهی بریتانیا، در جریان جنگ‌های انقلاب فرانسه و جنگ‌های ناپلئونی است.

شخصیت هورنبلوتر نماد یک افسر نیروی دریایی بریتانیایی، از خانواده‌ای اشرافی است. این افسر با وجود اینکه در محیطی متفاوت از دیگر افسران و خدنه کشتی، بزرگ شده اما به سرعت می‌تواند خود را با محیط وفق دهد و مشکلات را یکی پس از دیگری کنار بزند. هورنبلوتر شخصیتی بخشنده، مهربان، بدون کینه و شجاع دارد و برای اخلاقیات ارزش قائل است و به اصطلاح نمونه کاملی از قهرمان انگلیسی کلاسیک است و در خیلی از مواقع به قدری خوب و خوش‌نیت است که مخاطب را به شک می‌اندازد که آیا این شخصیت واقعا یک افسر ارتش استعازاگر انگلستان است؟! بازسازی شخصیت هورنبلوتر برای تلویزیون انگلستان، درست‌زمانی شکل گرفت که خاورمیانه در آستانه جنگ‌های جدید و تهدیدهای دوباره آمریکا و اروپا گرفتار بوده و به‌خاطر همین هم بود چه ساخت قابل توجهی در آن زمان، برای ساخت این مجموعه و مجموعه‌های اینچنینی در نظر گرفته شد. این مجموعه با اهداف مشخص و تبلیغاتی خوب در سراسر دنیا هم‌زمان شروع به پخش شد و در ایران هم سال‌ها قبل از تلویزیون نه‌یک‌بار، بلکه بارها بازپخش شد! شخصیت هورنبلوتر با بازی زیبای «یوان گریفید» توانست توجه مخاطبان زیادی را در سراسر جهان به خود جلب کند ولی بنا بر نظر شبکه سازنده، ساخت آن در سال ۲۰۰۳ متوقف شد و هرچند طبق کتابی که این شخصیت از آن اقتباس شده بود، داستان‌های بیشتری برای گفتن داشت ولی تهیه‌کنندگان تشخیص دادند که ظرفیت این قهرمان انگلیسی تا همین جا بیشتر نبوده و ساخت این مجموعه امنتوقف کردند.

البته سال‌ها قبل تقریبا در سال ۱۹۵۱ فیلمی به نام «کاپیتان هوراشیو هورنبلوتر» با اقتباس از همین داستان ساخته شد و در آن گریگوری یک بازیگر نام‌آشنای سینمای هالیوود در آن، نقش این افسر انگلیسی را بازی کرده بود ولی مسلم است که بعد از این همه سال، نیاز بود انگلستان این قهرمان ارتشی‌اش را دوباره از صندوق بیرون بکشد و با بازسازی مدرن‌تر، جوانان کشورش را به سمت پوستن به ارتش تشویق و ترغیب کند.

